

پرده نقره‌ای

بهمن مفید در گذشت



بهمن مفید بازیگر قدیمی تئاتر و سینما بر اثر سرطان درگذشت. یاشار صمیمی

مفخم (خواهرزاده)

بهمن مفید (مفید) با تأیید این خبر گفت: این هنرمند در یکسال گذشته به دلیل سرطان ریه تحت درمان بود که شامگاه یکشنبه ۲۶ مرداد ماه در ۷۸ سالگی در منزلش در تهران درگذشت. خواهرزاده‌اش بابیان اینکه زمان خاکسپاری هنوز مشخص نیست، ادامه داد: ایشان عاشق مردم بود و همیشه ممتون لطف آنها بود. اما به دلیل شرایط فعلی (شیوع کرونا) ممکن است نتوانیم پذیرای مردم برای مراسم خاکسپاری باشیم، بنابراین پیشاپیش از آنها سپاسگزاری می‌کنیم. بهمن مفید از ۵ سالگی بانمایش‌های پدرش وارد عرصه تئاتر شد و از سال ۴۷ تا ۵۹ در سینمای ایران حضور داشت و در بیش از ۷۰ فیلم از جمله فیلم‌های «قصیر»، «طوقی»، «دش‌اکل» و پس از انقلاب «سرود تولد»... بازی کرد.

بزرگ‌دگان بیستمین جشن حافظ معرفی شدند



بیستمین جشن حافظ با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و حضور بزرگ‌دگان رشته‌های مختلف این دوره در عمارت دانیال برگزار شد. به گزارش خبرنگار ایلنا، دبیر جشن حافظ در ابتدای این مراسم که با اجرای احسان خلیفانی همراه بود، امسال به خاطر بیماری کرونا مجبور شدیم جشن را در فضای باز برگزار کنیم. امیدمعلم افزود: بسیار مسریر سخته را با شما عزیزان طی کردیم. خیلی خرسندم در این سال با وجود اتفاقات تلخ در کشور خردمان و جهان توانستم در کنار شما باشیم. تهیه‌کننده جشن حافظ گفت:

افتخار داریم بیستمین جشن حافظ که بنیانگذاران آن علی معلم ۲۴ سال پیش آن را پایه‌گذاری کرد، به همراه هنرمندان و یاران وی ادامه دهیم. آذر معماریان ادامه داد: سینمای ایران سال سخته را پشت سر گذاشت. ویروس کرونا بر همه مشاغل و سینما اثر گذاشت. خانواده سینما و دنیای تصویر هدفشان این است که بگویند سینما حیات دارد و ادامه پیدا می‌کند. در ابتدای مراسم جایزه عمر فعالیت هنری به فرامرز قریبیان اهدا شد. جمله برندگان دیگر این دوره عبارت بودند از نوبه محمدزاده بهترین بازیگر مرد برای فیلم سرخوبست، الناز شاکر دوست، بهترین بازیگر زن برای فیلم شبی که ماه کامل شد و جایزه بهترین کارگردانی به نیما جابودی برای فیلم سرخوبست. از دیگر برندگان جشن حافظ این دوره، مهراون مدیری و شبنم مقدمی جوایز بهترین کارگردانی و بازیگر زن را برای سریال «هیولا»، مریلا زارعی جایزه بهترین بازیگر زن درام برای سریال «مانکن» و محسن تنابنده جایزه بهترین بازیگر کمدی را برای بازی در سریال «پایتخت» دریافت کردند.

دو فیلم ایرانی برنده جشنواره بین‌المللی فیلم زنان در بیروت



دو فیلم ایرانی در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان در بیروت جایزه گرفتند.

فیلم کوتاه «تتو» به کارگردانی فرهاد دلارام، برنده بهترین فیلم کوتاه جشنواره شد و مرجان ریاحی برای فیلمنامه فیلم «کلاس رانندگی» جایزه گرفت. جایزه بهترین بازیگر مرد برای فیلمبرداری محصول مشترک کانادا و تونس رسید و فیلم «تلاشی برای پایان خوش» از مقودیه برنده جایزه ویژه هیأت داوران شد.

«یلدا» با دوبله آلمانی اکران می‌شود



فیلم سینمایی «یلدا» به کارگردانی مسعود بخشی از ۶ شهریور با دوبله آلمانی در آلمان اکران می‌شود. به گزارش ایلنا، کمپانی لیتل دریم پخش‌کننده «یلدا» در آلمان، ضمن ارائه آونوس آلمانی، بنا به تقاضای سالن‌ها نسخه زیرنویس یا دوبله «یلدا» را اکران خواهد کرد.

«حمال طلا»؛ بیوگرافی زوال در اجتماع خشمگین

فیلمی که به یک بار دیدنش می‌ارزد



ایمان عبدلی
«حمال طلا» بیوگرافی زوال است، رضا بد آورده و به جبران بدشانسی اش می‌خواهد میانبر بزند و زخم تقدیر را با یک حرکت ناگهانی و یک شبه جبران کند. او طلا را از کارگاه به طلافروشی‌ها می‌رساند تا این که یک روز دزد به او می‌زند. او باید خسارت صاحب کارگاه، علی آقرا بدهد، ندارد پس ریسک می‌کند، ریسک اول نمی‌گیرد و پس از آن در یک لوپ تپه‌ای از طمع و حرص و آز می‌افتد.
حمال طلا یک فیلم پرتره است، در چنین فیلم‌هایی بیش از هر چیز پرداخت کاراکتر کلیدی داستان اهمیت دارد، در این جراحی، قهرمانی که در ابتدا سرد و سنگی و شکست‌ناپذیر به نظر می‌رسد اما رفته رفته با گذر دقایقی از فیلم، اتفاقات آن ور شکسته و آسیب‌پذیرش نمایان می‌شود. عنصر تضاد در پرداخت

اینجاست که ما از رضا چیزهای کافی نمی‌دانیم، چون نمی‌دانیم، پس با او آخت نمی‌شویم و چون با او صمیمی نیستیم، نگران سرنوشت او نمی‌شویم. انگار که از پنجره آپارتمان، در حال تماشای سرنوشت یک رهگذر هستیم و آن میزان از همدلی لازم برای جذب و جلب شدن یک شخصیت داستانی در فیلم وجود ندارد.
داستان البته جلوه‌ی رودمفصل‌های روایت کار می‌کند. مالیات‌نگی، افتادن به ورطه‌ی نزول و بعد شرکت در مزایده توالی، به موقع شروع می‌شود و به موقع پایان می‌پذیرد و حتی اتصال به ماجرای خرید سکه هم منطقی‌تر رویی به اندازهای دارد و داستان و روایت از ریتم نمی‌افتد و اما ظاهراً آن وجه فیلمبردار مآبانه‌ی تورج اصلاهی بر کار سایه انداخته و او گرچه در کادربندی و در میزآنسن و رنگ و بو داده و چقدر خوب با طمع کاراکتر اصلی هم‌نشین است. اما مشکل

می‌ماند، کاراکتری که جای کشف و شهود برای بیننده می‌گذشت. اما رضا از جایی به بعد اتفاقاً پر دامنه رفتار می‌کند و با آن آدم لحظات ابتدایی تفاوت دارد. انگار لحظات مختلفی که از رضای بینیم مربوط به یک آدم واحد نیست، در ترسیم کاراکتر او نوعی پراکندگی اتفاق افتاده و این چنین دل‌بسته‌ی همسر از دست رفته‌اش است، چگونه لویی را این چنین طعمه‌ی نزول خور و طلافروش می‌کند. نه به آن مهربانی و نه به آن سنگدلی. هر آدمی طیف‌های متنوعی از احساسات را در زمان‌های مختلف بروز می‌دهد، اما تمام رفتارها در یک محدوده اتفاق می‌افتد و درباره‌ی رضا، این محدوده به شکل غیر قابل‌طبیعی وسیع و پله‌لستا همان‌طور که مثلاً مادام‌دقیقانه‌ی دانیم آدمی که سال‌ها در بازار طلا بوده، چگونه با چنین در صد ریسکی سکه می‌خرد و خودش را به باد می‌دهد، بله! او طمع کرده و افسار شاره شده اما در صدی از عقل و قدرت شهود باید در کاراکتر او کاشته می‌شد تا باورپذیر نشان می‌داد. او انگار یک انسان کم‌عقل و نامتعادل است که شرح شکست و ناکامی‌اش بیشتر از آن که همدلی جلب کند، ترجمه‌ی جلب می‌کند.
به عبارتی او را همچنان از پنجره‌ی رو به کوچه می‌بینیم و دوست داریم کسی اگر فرصت کرد او را به یک روانشناس معرفی کند، او نرمال نشان نمی‌دهد و اساساً چیزی در باره‌ی ضا‌شکل نمی‌گیرد که حمال طلا را فیلمی ماندگار کند. توجه کنید که این یک فیلم پرتره است، مثل سوت‌دان، مثل هامون، مثل لیلاد، و یک فیلم پرتره‌ی زوال است، مثل «صورت زخمی». در همه‌ی این‌ها تمرکز درام روی کاراکتر اصلی‌ست و فضاسازی در اولویت دوم قرار گرفته است.
فضای مالی‌خولیایی و آن جهانی سوت‌دان در خدمت ذهن سودا زده‌ی بهروز و توفی در آن فیلم است. فضای

چفت نشدن و هم‌فان شدن، کمی «حمال طلا» را حیثیت‌دار کرده و گر نه اتفاقاً ایده مرکزی داستان و تمام اشاراتی که به فضای ناسامان اقتصادی دارد، جلب توجه و قابل ملاحظه است. در هر صورت «حمال طلا» فیلمی سست که یک بار دیدنش ارزش دارد و برخی کادرهای ظرافت و پیچیدگی یک کار هنری را به نمایش می‌گذارد، گرچه آدم‌های پس از مدتی در ذهن می‌میرند. افسوس که آن چه به فضاها جان می‌دهد از قضا همین آدم‌ها هستند.

چفت نشدن و هم‌فان شدن، کمی «حمال طلا» را حیثیت‌دار کرده و گر نه اتفاقاً ایده مرکزی داستان و تمام اشاراتی که به فضای ناسامان اقتصادی دارد، جلب توجه و قابل ملاحظه است. در هر صورت «حمال طلا» فیلمی سست که یک بار دیدنش ارزش دارد و برخی کادرهای ظرافت و پیچیدگی یک کار هنری را به نمایش می‌گذارد، گرچه آدم‌های پس از مدتی در ذهن می‌میرند. افسوس که آن چه به فضاها جان می‌دهد از قضا همین آدم‌ها هستند.

ژانر

چند پیشنهاد سینمایی برای فلفلک آدرنالین!

توسیدن در سال تشویش

اشتهای علاقه‌مندان به فیلم‌های ترسناک سیری‌ناپذیر است. امسال کمتر به فیلم‌هایی با نام‌های آشنا در ژانر وحشت برمی‌خوریم. مهم‌ترین فیلم‌های ژانر وحشت در سال ۲۰۲۰ فیلم‌های عمیق متفکرانه‌ای هستند که توسط فیلمسازان مستقل ساخته شده‌اند. در این مطلب نگاهی داریم به تعدادی از این فیلم‌ها که توسط سایت «کلاپدر» انتخاب شده و وب‌سایت هشت‌سپهری این فهرست را به فارسی برگردانده است.
پس از نیمه شب
«پس از نیمه شب» به کارگردانی جرمی گاردنر و کریستین استلا بیشتر ممکن است به نظر فیلمی رمانتیک و عاشقانه برسد، اما زمانی که نوبت به صحنه‌های ترسناک آن می‌رسد، تماشاگر واقعا دچار حس اضطراب و دلهره شدید می‌شود. این فیلم برای نخستین بار در جشنواره تریکا نمایش داده شد. جرمی گاردنر علاوه بر کارگردانی پس از نیمه شب به همراه بری گرانت در این فیلم بازی کرده است. داستان این فیلم درباره‌ی مرد جوانی به نام هک (بازیگر جرمی گاردنر) است که متوجه می‌شود دوستش ابی (با بازی بری گرانت)، بدون اینکه به وی بگوید، شهر را ترک کرده است، او که در پی دلیل رفتن ابی از شهر است، پس از مدتی متوجه می‌شود که موجودی اسرارآمیز هر شب او را تحت نظر دارد.

همه چیز تقصیر بیگانه‌هاست
فیلم «همه چیز تقصیر بیگانه‌هاست» فیلمی از ریچارد استنلی کارگردان اهل آفریقای جنوبی است که علاقه‌مندان به ژانر وحشت، مدت‌ها در انتظار ساختش بودند. این فیلمی است که در آن بی‌رحمی در اوج خود به تصویر کشیده شده است و از همین جهت دیوانه‌کننده است. به گفته ریچارد استنلی این فیلم بخش اولی از یک سه‌گانه است که او در نظر دارد با اقتباس از داستان وحشت دانوویچ، اثر اچ‌بی لاکرافت از مشهورترین نویسندگان ژانر وحشت بسازد. در این فیلم بازیگرانی نظیر نیکلاس کیج، جولی ریچاردسون و مادلین آرتور به ایفای نقش پرداخته‌اند. داستان این فیلم درباره‌ی مردی به نام ناتان گاردنر (با بازی نیکلاس کیج) است که پس از عمل جراحی همسرش، خانواده‌اش را به روستایی می‌برد که مزرعه پدری‌اش در آن واقع شده، او قصد دارد در این مزرعه گوجه‌فرنگی بکارد، اما همسر و فرزندان‌ش از حضور در این روستا راضی نیستند، شب‌شهاب‌سنگی از آسمان به حیاط جلویی منزل این خانواده برخورد می‌کند و فردای آن روز، مردی ناشناس برای انجام کارهای تحقیقاتی درباره‌ی این شهاب‌سنگ وارد این روستا می‌شود. از اینجا به بعد حوادثی پس‌پس‌پس و ترسناک در این روستای به‌ظاهر آرام رخ می‌دهد.



نزد پدر بیا
فیلم «نزد پدر بیا» به کارگردانی انت تیمپسون اگر چه در نگاه اول فیلمی است که شاید به نظر برسد در هیچ ژانری ساخته نشده است، فیلمی کمدی است، اما فیلم کمدی‌ای نیست که علاقه‌مندان به اینگونه از فیلم‌ها را اول تا آخر بخنداند بلکه صحنه‌های ترسناک آنچنانی هم دارد که آن‌را می‌توان برای علاقه‌مندان به فیلم‌های ساخته‌شده در ژانر وحشت نیز توصیه کرد. در این فیلم الیجا وود، استیفن مک‌هتی و مایکل اسمایلی نقش‌آفرینی کرده‌اند.
داستان این فیلم درباره‌ی مرد میانسالی است که برای دیدن پدرش رهسپار سفری می‌شود. این سفر، اما سفری عادی و آرام نیست و اتفاقات هیجان‌انگیز و ترسناک و دلهره‌آور در آن رخ می‌دهد.
خارق‌العاده
فیلم «خارق‌العاده» فیلمی است به